

قيمت سالنه  
درداخل (۱۲) افغانی  
درخارج (۱۵) شانگ  
قيمت ششماده  
درداخل (۱۷) افغانی  
درخارج (۱۸) شانگ  
نصف قيمت  
از طلبه و محصلين مکاتب  
رايگان

برای مکاتب ملی و کتاب خانهای ملی  
و معاونین و وقایع نکاران (فخری)

درین سجریده از هر کونه علوم و وقایع سیاسی  
و منافع دولتی و فوایند ملی بخت میشود

اداره خانه  
(ده افغانیان کابل)  
سرد بیر  
سید محمد قائم  
همه امور تحریر به بنام  
اداره فرستاده شود  
داره در انتشار و اصلاح مقلاط  
وارده مختار است

هر هفته یکبار نشر میشود  
او، افقک درج نشود اعاده نمیشود

قيمت يك شماره (۲۰) بول

برای تبدیل عنوان نیم افغانی فرستاده شود

تاریخ شمسی اول جوزا ۱۴۰۵ هجری

(شنبه)

تاریخ فری (۹) ذی قعده (۱۳۴۴) هجری

## خلاصه اخبار کارهای مشعشع

(اعلیحضرت در جلال آباد)

تاعصر روز دوشنبه (۲۷) نور اوقات شاهانه مصروف  
ملاظه امور مربوطه به وزارت تجارت وزرایت بود ، بعلاوه  
در ضمن به بعض امور دیگر هم وارسی کردند و او امر وهدایات  
اصدار و ارشاد فرمودند . روز سه شنبه (۲۸) نور امور  
مالیاتی را تحت نظر دقت گرفته تدقیقات لازمه را در هر  
خصوص بعمل آوردند . این تدقیقات تاچند روز دوام کرد  
، ولی درین آن بسی امور دیگر هم از ملاحظه گذشت و اوقات  
هاییونی را اشغال نمود . چنانچه همان روز سه شنبه (۲۸) نور  
اولیای بعض طلبه مکاتب را که در فرستادن اولادهای خویش  
مکاتب توجه نمیکردند بحضور مبارک خویش در سلامخانه  
سراج العمارات خواسته ، بیانات مدققانه در خصوص فواید دینی  
و دینیوی تحصیل اولادها که برای والدین و خاندان و اهل محله  
وقریه و ولایت و مملکت شان عائد میگردد ایراد نمودند . خلاصه  
اظهارات اعلیحضرت بروز مذکور به اولیای فوق الذکر  
محصلین مکاتب قرار آتی است :

درین سخن بقدر يك سرهنگی مبالغه نیکنم و حقانه میگویم  
که خودم بالذات آن اشخاصی را که در قیلم اطفال خود توجهی  
نمیگارند و یا از رفقن شان بکات بلهوی نموده . فرزندان خود  
را بهزار حیله و بهانه از مکتب میکشند ، بنظر بد میبین و حقیقتاً  
دشمن ترق و تعالی و سعادت حال و آتی افغانستان همین طور  
اشخاص را میشنتم ، زیرا در صورتیکه يك شخص هم در يك  
عائله دارای علم و فضل و اخلاق باشد حق الامکان دیگر نفری  
خاندنی خود را ازدزدی و آدم کشی و فاد بیشگی مانع میشود  
و آنها را غیگندازد که از راه انسایت تجاوز کرده بچاهمضلات یفتند  
جه جای لاینکه اگر خواست خدا باشد که تمام افراد مملکت  
عزیز ما صاحب تعلیم و اوصاف درست شوند !

درین سجریده از هر کونه علوم و وقایع سیاسی  
و منافع دولتی و فوایند ملی بخت میشود



فی الحال از شما این چنین یک فکر و تظریه را مقید حال  
علوم افغانستان باشد بدینواسطه نمیخواهم کتما از حالات عمومی  
افغانستان چون سرکهای منقطع و اسباب ناقله وربل وغیره  
موجود بیست . اطلاعات درست بدارید حتی بعضی از شما از  
بعضی حصه های دور دست سمت مشرق خود نیز ممکن است  
که معلومات نداشته باشید اما چون درین مجلس نفری تمام  
خصوص مشرق موجود است فقط عراض و مسئله عمومی را که  
برای خود و عموم اهالی این طرف مقید و منفعت بخش میدانید  
برای اظهار کنید :

لیکن من اینطور یک فکر شمارا که دران منعطف فلیل و ضرر  
کثیر متصوّر باشد قبول بخواهم کرد نه لایک اگر شما بگوئید که:  
« مالیه عموم مارا کم و یا از فلان محل را معاف کن » شنیده  
نمیتوانم زیرا اگر مالیه شمارا موقوف کنم این پیشنهاد را باز  
از بجا بخواهم ضرور است که بالای دیگر برادران تان آنرا  
افزود کنم حالانکه درینصورت برای شما یک نفع جزوی  
وبالای دیگران یک ضرر و بار اندازی کلی بعمل می آید .

همچین اگر نما خواهش کنید که « باصول قرعه عسکری ازما عسکر خواسته نشود » من برای شما خواهیم کفت در صورتیکه شما خدمت وطن و ملک اسلامی خود را بانصورت مساویانه و عادلانه که در نظام اسلامی آن توضیح شده است قبول نکنید، و بشوق و محبت در سلک باشرف عسکری داخل نشود ظاهرآ عامه هات و تمام افراد مملکت از خدمت با افتخار عسکری، واژ اطمینان نظامی بی بهره مانده، در موقع محاربه مقابله دشمن را چیلور خواهید کرد؟ و پچم صورت در پیشرفت مقاصد اسلامیه خود کامیابی حاصل خواهید نمود :

( دریجع مقوم حصار یت سد و جد توق العاده جوس  
و خروش شاز ا نسبت بخدمات عسکری بحضور شهریاری  
رسانیده کفتند که ) . مـا اهالی سـمت مـشرق پـیـج کـاهـی  
در خدمات ملک و ملت خود گوتاهی نکرده بـهـر اـشـارـه و اـمـر  
هـاـپـنـی سـرـخـودـهـاـبـایـی سـاخـتـهـیـک اـخـلاـص وـصـمـیـعـت بـیـسـاخـتـه  
پـرـواـزـهـارـخـودـهـارـا بـگـردـشـعـمـ اوـامـر خـسـرـوـانـه وـسـانـیدـهـاـیـم  
وـیـسـ اـزـینـ هـمـ بـادـنـیـ یـکـ اـشـارـهـ شـاهـانـهـ برـایـ فـداـنـودـنـ مـالـ  
وـزـنـدـهـ کـانـیـ وـهـسـتـیـ خـودـ حـاضـرـ وـآـمـادـهـاـیـمـ .

اعلیحضرت: - نی اینطور نیست، من از اخلاص و محبت  
نمای که بشخص من و حکومت مبنوعه تان دارید انکار ندارم  
این مسئله را بصورت مثال و بیک حکایه فرضی بر اینان گفتم  
حالا گر کدام ایک فکر معقول را در موضوع العقاد این مجلس  
بدماغ خود پرورانیده باشید بفرمائید.  
خان، فدایت شوم مابرای قولم امذیت و مسئولیت اهالی  
و عدم چشم سفیدی اشرار باز مانند سابق میخواهیم که جراهم

بکوشید پس باید که شما قرار اصطلاح اینطور گمان نکنید که  
مقصد من از ملک شما هان چهار دیواری خانه و چند کردهای  
دور و بیش قریه تان است و با مطاب من از قوم صرف از همان  
یک عائله و خانه دانی است که شما به آن نسبت دارید . نی  
مطلوب من از ملک شما عموماً علم اسلام و خصوصاً این خطة  
مقدسه افغانستان است که باید تمام جان در بدش و روح در تن  
داریم در راه سرسزی و آبادی افغانستان بکوشیم همچنین مراد  
من از قوم درانی و غاجائی و خربون و شیرزاد و مهمند و صافی  
وغیره اقوام و طوائفیکه در افغانستان موجوداند نمیباشد . خودم  
برطبق مقررات شرعیه قوم خویش و قوم ملت خود همان اشخاصی  
میدانم که کلمه بالک ( لا اله الا الله محمد رسول الله ) را مخوانند ،  
عام ازینکه کابلی باشند ، یا هزاره ، افغان باشند یا تاجک شیعه  
باشند ، یا شیعه از نفس افغانستان باشند یاد رکونه و سکنار آن  
سکونت داشته باشند .

آیا نمیدانید که این تخم منحوس قومیت‌ها و خاندانی‌ها  
و شاخ و بیخ های متعدد آن را دشمنان تان بنابریش بردن  
مقاصد شنیعه خویش در میان تان طرح افگنده ! یکی آمده  
با « خربون » ساخته « شیرزاد » را برابر « خربون » خوار  
می‌سازد دیگری آمده « شیرزاد » را نوازش داده « خربون » را  
ازدست او خواروزبون می‌سازد در یک دوره « مهمند » صاحب  
اعتبار شده « شنواری » بی وقار می‌گردد و بدیگر زمانه مسئله  
بر عکس آن بنتظر می‌آید . باید این قومیت‌ها و تفرقه کاریها  
را از میان تان بردارید و همه برادران اسلامی خود را یکسان  
بنظر بین و اخلاص به بینید و آن‌گاه باشد که اگر شما این  
قومیت‌ها را از بین خود دور نکنید چنانچه در یک

عرضه بسیار اندک « خوگانی به چهار شعبه تقسیم و فقط « درانی  
محمد شاخ تفریق شده است البته که بعد از مرور چند وقت  
همین یک « شیرزاد » چند شعبه دیگر را تشکیل ، همین محمد زائی  
چندتایم و فرقه دیگر را بوجود می آورند در انصورت همین اینگشت  
های شما که از یک دست بوجود آمده اند خدا ناخواسته  
هرانگشت شما داده ده ریشه و قطمه گشته و هر ریشه آن ماتد  
تارهای باریک گردیده باندک فشار و صدمه از چند جامیگساد و  
همین یک قوه شما بتجاه حصه شده به همین دور و اسلسل همین  
حصه نسبتاً هم نزد چندین حصص منقسم خواهد شد .

من بسیار آرزو مندم که از میان ملت محبوهم این خرافات  
قدرت و فضولیات تفریق وجودائی دور شده تمام‌ا برای ترقی  
علم اسلام و بهبود و سعادت افغانستان کار کنند و تمام سکنه  
افغانستان را بدون استثنای برادران و دوست خود دانسته برای  
علم اسلام عموماً و منفعت افغانستان خصوصاً صمیمانه از دل و جان  
کوشان باشد.

دانما در مکاتب رفته اند و ما همچو عالم از حاضری و غیر حاضری  
آنها نداریم ، جواب آنها را حضور های یونی چین فرمودند .  
خوب است معین صاحب معارف را امر میکنم که با تف  
مدیر معارف تان و قومندان گوتولی تحقیق این اظهار شما  
بگند اگر واقعاً شما ملامت نبودید از جریمه معاف و  
این پیان شما غلط برآمد البته که مجازات شما نسبت بدیگران  
زیاده تر خواهد بود علاوه ازان طلب مکتب رسیده را  
از تعالیم خود غیر حاضر شده اند به مراد او لیای شان یک  
بازخواست میکنم زیرا آنها دانسته و فهمیده می باشند و خوا  
شان به نفع و ضرر خود بیشتر میدانند و همه اسباب آسایش  
و آرامی شباروزی آنها از طرف حکومت حاضر و مهیا است آ  
باز از کدام رهگذر غیر حاضر میشوند ؟ و جماعت پوره حاضری  
نمیدهند ؟ زیاده برین چون عقل شما پست است هر چند که  
بگویم بدون شدت بر شما کمتر اثر میکند چیزی نمیگویم .

(ع) سخن شناس نه دلبرا خطای اینجاست  
سخن شناس نه دلبرا خطای اینجاست

(اجمال هذا کرات)

(اعلیحضرت معظم غازی)

با خواین و اعزمه سمت مشرق بروز جمعه (۱۷) تور

## (اجمال مذاکرات)

(اعلیحضرت معظم غازی)

بعد از احوال پری و ختم دعا گوئی عمومی واظه‌هار شادمانی  
حضور بر مسامع جیله اعلیٰ حضرت غازی، ذات شاہانه مضمون فیض  
مشحونی را که مقاد آن تقریباً قرار آقی است، ایراد فرمودند:   
میدانید که مقصد من از ملاقاهمای متعددی که باوکلاه شما  
وعلماء و سادات و دیگر نفری تنها می‌نمایم فقط گرفتن یک  
معلومات صحیح و حالات در-تی است از اوضاع ملت و فرمیدن  
این سخن که نفری سمت مشرق کدام یک مسئله را مانع ترقی  
و محل آرامی و بهبود خود دانسته برای آسایش و بهبود خویش کدام  
جیزی را مفید میداند و در افکار و خیالات آنها چه چیز نسبت  
به سعادت و آسوده حالی آنی شان موجود است.

یگانه تاکیدی که بشما میکنم این است که نه تنها شما این  
صایح و هدایات مرا که به شما میخواهم بسمع قبول بشنوید !  
لکه بدیگر برادران و دوستان و لهله قریه تان نیز این کلمات  
سرابی کم و کاست بشنوانید ! و چیزهای را که بشما میگوییم  
نیاید به کنه و حقیقت آن خود هارا دانانده بعد در تعییل آن  
جدا بکوشید که برباتان زیاده نافع و معفید است. مثلاً من مکرراً  
زنطیق ها و خطبه های ایرادیه خویش برباتان امر و تاکید  
کلم که برای ترقی ملک و بروز قوم خود هم تأبیتوانید

وَاللَّهُ مِنْ بَانِدَازَةٍ در تعلیم و تربیه اطفال افغانستان که د  
واقع تماماً اولاد های معنوی من میباشد ساعی و کوشانیم که  
اگر بدانم و مینیقن گردم که بواسطه ریزائیدن خون ، و یاقربانی  
نمودن خودم را در راه عرفان عموم ملت افغان ، مفید و نافع  
واقع می شود ازان درین نخواهم کرد و به بسیار شوق و ذوق  
خودم را شهید راه علم و فن قرار داده ازین رهگذر سعادت  
دین و دینیوی را برای خود حاصل نموده باکی نخواهم داشت  
زیرا اگر من نباشم و ملت من در ضياء دانش و علوم مصروف  
خدمتگذاری دین و وطن و قوم خود باشند ، همین مقصد عین  
مطلوب و معراج من است. بعضی از شما خواهید گفت اگر چه  
اطفال ما بمعکتب نمیروند اما در زندآخندها روی دکانها و کوچهها  
تعلیم میخوانند من بجواب میگویم تامیتوانید اطفال خود را  
در مکاتب داخل کنید تا خست یک قاعده و نظام و پروگرام درست  
در فرصت اندک تعلیم بسیار بگیرند زیرا بچه خوانی روی بازار  
ظاهر اعت نمودن عمر اطفال و منفعت خشیدن برای آخند های  
دکاندارست که یک چند دقیقه بالای آنها درس های را که از فکر  
و خیال اطفال بسیار بلند است میخوانند و بعداً برآنها کارهای  
شخصی خود را اجراء کرده فرزندان تان امی ویکاره می مانند.  
ابن طور فکر نکنید که من تعلیم و کثرت عرفان حمل کت  
خودم را فقط به پند و نصیحت می خواهم که از قوه بفعل آید،  
بلکه من اولاً خواهشمندم که دلهای شما را به نصیحت نرم  
کنم و شمارا بشوق و محبت صمیعی خود تان پروانه شمع علوم  
گردم و اگر دیم که نصیحت من کار گر نشد ، البته که از  
مدت واستعمال قوت یهم خود داری نخواهم کرد ، چنانچه  
ن الحال علاوه بر اینکه از شما ناراض و دق میباشم حتماً حکم  
کنم که از شما حمایه نیز نگذارم

درینجا از هماد عموم حضار که عده شان بیش از بیست  
ی فقر نبود پساخته ناله و فریاد برآمدند بعرض رسانیدند که  
بن یک جرم و خطای ما باید حضور شهریاری که پدر معنوی  
میباشد، دق و ناراض شوند، و مطمئن باشند که ما نه تنها  
فرزندان خود را داخل مکاتب میکنیم بلکه بدیگران نیز  
یخ و تشویق میدهیم که ضرور اطفال خود را داخل مکاتب  
نمایند اگرچه نفری هنوز از بیریشانی که برای شان از اتمام  
خبر تأسف انر نمیگذن هایوئی عائد شده بود یوره باطن هار  
برت خود پساخته و بیش از مطالب فوق چیزی را بعرض  
رسانیده بودند که ذات خسروانه قطع کلام آنها را نموده باز  
فوائد علم و فن و مضرات جهالت و نادانی و اظهار تأسف  
ن وضع نامتناسب آنها، بیان شانرا دوام دادند.

دزین بین یک یادو نفر ازین میان بعض دلائل لایائل  
عدم ملامتی خود بعرض رسانیده ادعا نمودند که اطفال ما

(ملک) :— اعیل حضرت این افکار شما با اندازهٔ مارا زیر  
تائید آورده که ما از گریه خود داری کردم نمیتوانیم و از خداوند  
سایهٔ مبارکت را تصالیهای در از بزمتر افغانستان ظایل  
و مددود خواهیم بانم .

(اعلیحضرت) خوب بفرمایید غیر ازین هم دیگر چیزی  
گفتن دارید!

خان و متابعت عموم : — اعیان حضرت ایک عرض عمومی  
دیگری را هم بحضورت می رسانیم که بواسطه این چند نظر  
انحراف بدخت و خاشنای سیاه روزگار طبع مبارکت را از ما  
نباید ملول و هکذا بگناه و خیانت آنها امید وار نیستیم که ما را  
ملامت کنید زیرا که اداره کردن آن بدختها از قوه ما بیرون  
بود و مقندر نیو دیم که از پنی بالا با آنها حرف می زدیم .  
(اعیان حضرت ) درین مسائل حذفی ها به از شمار محمد اکبر

(اعلیحضرت) درین مسائل جزوی به ازشمار مجیده کی

وحقوقی دارم و نه شمارا مسئول می‌انگارم حتی در معاملات  
بزرگ مانند معامله تاجیک‌ها و صافی‌ها هم افراد و محروم اهلی  
راملامت نمی‌کنم بلکه از سر کوه گان‌شان کمی دق هستم  
که چرا آنها عقب اینطور مناقشان می‌گشتد و در استیصال این  
مسائل چرا هفت تخریج نداده‌اند.

خان: — اعلیحضرت! بالفعل حضور شهریاری ما غایتوانیم که افکار خود را جمع کرده بدقت تمام کدام مسئله که برای عموم مشرق مغاید و نافع باشد بعرض بر سانیم اگر اعلیحضرت در اثر این پیانات و هدایات خویش بهما کمی فرصت و موقع بد هند که خوب تر فکر و تأمل کرده عرایض خود را بهمین اصولیکه ذات هایونی ارشاد فرمودند تحریری تقسیم کنیم بهتر خواهد بود.

عموم ، بین مهمنین فکر متفق شده اظهار داشتند که جر ده  
امروزی نا بر ملاحظه فوق و کالت طبیعت های بونی باشد خانم  
ذاده شود و متعاقباً عرب ایض تحریری مارا ذات شهرباری پس  
از تحریر خواسته از انفار کیمیا اثر خویش بگذرانند و در آن مورد  
هر امری را که مناسب دانسته و حکم اجراء وبا تعديل و تردید  
آن را اعطا کر دند بسر و چشم قبول ماست .

اعراضت: — با خوب شما بعد از تفکر و تأمل

اعلیٰ حضرت - پسیار خوب  
هر چزیرا که برای قدم و ملت خود منید میدانید تحریر کرده  
برای تقدیم کنید چون اکثر ائمّه شما خواسته و نویسنده  
نمی باشند ممکن است که درنوشنون خیالات خود دوچار تکلیف  
خواهد شد پس برای مهمندار شما امر میدهم که چند نظر

نویسنده های درست را بطور اجوره گرفته تا روزی که من  
کاغذ های شما را بخواهم نزد شما باشند تا عمر یک از شما بلا  
تکلف و زحمت یوشه خیالات خود را برای نویسنده های  
مذکور بگوئید که آنها آن را در قید تحریر بسازند . حال  
چون چیزی بخاطر ندارید شمارا بخندانه میسازم . فی امان الله

معارف متفق شدند و آنها هم این مسئله را بر طبق فکر شما  
به نزد اظهار نمودند همان‌که بعد از آن دوین مورد پس از آنکه  
بکابیل رفتم و عرايض متفقه و مجتمعه این مفکوره شما برای  
ق. ۱ - اعنه معارف به من ، فکه کرده خواهد شد حال

بتویس ام مترقب بس ری و دیگر  
شما مطمئن باشید که حکومت متوجه شما حسب پذخواه در  
اصلاح واداره امور عرفانی مشرق شما بدل مسامعی دارد و حتی  
الامکان؛ زیادات مقدم و اصلاحات لازمه دران می کند»

در ختام این مبحث یکی از جمله حضار برای همه لوازم  
عمر فانی و مخارج مکاتب مشرقی موقوفی و کلام خود را از علاقه  
داری ها و حکومتی ها با عرض رسانیده و چه معاش آنرا ایرانی مصارف  
معارف تصویب ، و عرض منظوری آن را بحضور نمود . ذات  
عدالت گستر پادشاهی به تردید این مفکرۀ او چنین بیاناتی را

که مفهوم آن ذیلاً مرقم است. ایراد فرمود: —)

له ونهجه ای دیده هر سرم است یعنی روزگار  
ملت عزیزم اگر شما حقیقتاً دانسته و فهمیده می بودید  
گاهی این چنین یک سخن ناسنجیده را نمی گفتید شما  
خبر ندارید که برای حصول این مدعای در دنیا چقدر سیلاج  
های خون جاری و بچه اندازه انسانها تلف شده است تا که  
آنها و کبیلی از طرف خویش بهمراه حکومت مقرر کرده خود

ها را در امور سیاسی و اجتماعی مملکت خود شامل درده اند  
حال آنکه من از محبتی که با شما ملت خود دارم بدون از  
خواهش واستدعای تان این حق بزرگ را برای شما دادم  
و شمارا در تمام امور اولی سهیم و شریک و ذمه وار ساختم  
و می خواهم که به توسط و کلای شما عرایض و شکایات شما  
را که از طرف بعضی از مامورین من بالای شما عائد شود بشنویم  
و خیالات و افکار خودم را بشما بشنویم اگر و کل شما در  
ایقای وظیفه خود درست نباشد قصور آن عاید بشما است زیرا  
که و کل خوب و درست را مقرر نه نموده اید من ایداً باین  
راضی نخواهم شد که مانند دیگر ان مات را علیحده و حکومت  
را علیحده بدانم طور یکبروز اول جلوس خودوعده کرده ام

تا آخرین لمحات زندگی خویش مات را از دوست و دولت  
را از ملت می‌انگارم و این هر دو عضو مهمن را یک جزو لایفچ  
می‌شمارم و به هیچ صورت نمی‌خواهم کدر بین ما و شما جدائی  
باشد و به هیچ نوع ممکن نیست که و کلام شما را از علاقه‌داری  
گرفته‌ای من کن و برایست شوراء موقوف کنم البته بشما بعد  
ازین این چنین اختیار خواهم داد که قبل از تکمیل سه سال  
هم اگر شما در و کلام منتخب خود خبات و نقشان را مشاهده  
کردید آنها را عوض کرده می‌توانید و قانون جدید انتخابات ر  
این چنین می‌سازم که حتماً از روی آن اشخاص منتخب شوند  
که افری درست باشند و موجبات رضای ملت و خوشنودی  
سلطنت را از خود بآفهایم آواره نمایم.

و پا به طرف دست چپ به سرک نزود و پایک دیگر کار سر  
یاعادی ازوی سر زند حتی است که بتوقف خانه ببرید  
چه در آن وقت شما هیچ نگفته‌ید مگر من بدلاش مقتنه او ش  
را قانع نموده نات کردم که در مسائل بزرگ و جنایات  
عدلیه حتی است که تغییر مالی موقوف، و عموم بیک  
مساویانه محاذات خود را به پیشنهاد لایک در امور اداری و س  
وقرات جزوی و معمولی وغیره چیزهای خورد و ریزه  
که جازی باشد. همچنین در مسئله قیام امنیت و بسیون اشرا  
و آسانتر اینست که سارقین و دهاره بازان و اشاره اگر  
شرعی بالای شان امکان نداشته باشد از روی قرائی و ام  
باید محکوم به جزا شوند ولی ملا صاحبان می گویند «  
جوره شاهد بر دز دگذرانیده نشود اعطای جزای آن  
نیست» خود شما فکر کنید در جاییکه صاحب خانه باد  
شاهد موجود باشد چطور دزد یابن مسئله اقدام خواهد  
همین مسئله است که دست فعالیت مامورین انقضاییه مارا  
است زیرا یک مردی که در جنایت و شرارت خویش ن  
آفاق است به مجردیکه حاکم بنابر عرض دیگری باز از  
معلومات ضبط احوالات خویش اورا توقیف می کند، و م  
ربابه محکمه محول مینماید جناب قاضی می گوید که «برین  
چون شرعاً نبوی نیست ملزم و مجرم گفته نمیشود بایدرها گر  
(درینجا بتأمید این فکر شهر یاری از هرگوش و ک  
عرائض بسیار بسمع هایونی رسانیده شد و ضمناً در ا  
مقاد تعليم و فواید عظیمه مکاتب و تشکر ازین مساعی  
شاهانه انجات خوبی بوجود آمده در موضوع مزید تعمیم  
و تشویق دادن بهموم اهالی برای تحصیل علوم و فنون؛ مذا  
در جریان افتاده نتیجه شرکاء جرگه بحضور شاهانه در قبه  
وجه اعانه معارف برای ترقیات عرفانی سمت مشرق عر  
صادقانه خود را بعرض رسانیدند چوایی را که حضور ها  
درین مسئله برای شان ارشاد داشته معاذقار آتی است  
«خدای خود بسیار شاکرم که آن نصائح عاجزانه ا  
که در موضوع ترقیات عرفانی و تحصیلات علمی برای تان  
و میخایم بر دلهای نهاد خوبی بخشیده است؛ و دماغ  
شما را ازان مرتبه که مکتب و فتن را بر خود تکلیف ش  
وزحمت زیاد تصور می کردید- باهن اندازه درست و اصل  
فرموده است که اصر و ز شما از مقاد عرفان و ترقیات  
مشرقی خویش بحضور محث می کنید میدانم که این اطمینان  
شما مبنی بر صداقت است ولی فی الحال نیتوانم که من این  
شماعه ارا که در موضوع قبولیت وجه اعنانه معارف بحضور می  
قبول کنم بلی اگر جمعیت وکلاء شما هم با تفاوت غامه اهالی  
وذوق خود بدون مداخله حکم دهیم فک اعطای

قدی که حال بران تعزیر بالمال نام مانده اند سرازن جا  
شود والادست کار داران و حکم ما از عموم فقرات جز  
گرفته تا برخی از مسمیات وکلایت بسته مانده کاربر ۱ حسب معلم  
از پیش برده تجواهند توانست .

اعلیحضرت : - الحق که موقوف تعزیر بالمال در مس  
خورد وریزه قانونی تایلک اندازه دست حکم مارا بسته ام  
و با ایشکه شرعاً جزای نقدی هم جواز دارد و سیدنا  
رضی الله عنہ که عادل ترین صحابه است در یک امر شخصی  
جزای نقدی چنانچه علمای شما اظهار میکند ، حکوم هم نبو  
است ولی اکثری از شما درجر که حاضر بودید که ملاع  
شما بعدم جواز آن اظهار فکر نمودند و شما هم در  
رأی از سکوت خود رضای خود را بانها نشان دادید -  
در مسائل نقوص وغیره که زیاده تر شمارا دران داده  
است هم حصه خوبی نگفید هر فکر و خیالی را که آنها خا  
ازوظیفه علمی و روحانی خویش در مسائل سیاسی و اجتماعی  
وغیره دادند شما هم بدون یک بحث و سنجدن منفعت و مضر  
قبولیت آن حاضر شدید و من هم با اینکه شما را فهمانیدم  
هر گدام تان درین مجلس علیحده علیحده حق اظهار رای  
دارید هر واحد تان هر سخنی را که موجب خیر و بهبود خ  
میکند برایم بگوئید ولی شما هیچ نگفتد لهذا بر هر چیزی  
فکر و رای عمومی شما قرار یافت من هم بر طبق آن او مرداد  
عموم : - اعلیحضرت احقرتا الحق عموم فقراتی را که ما در جر  
بعرض حضور رسانیده ایم بر طبق عرض و رای عاجزانه  
حضور های بونی اجرا آت فرموده و میفرمایند ولی اگر در  
بگوییم در جرگه ملا صاحبان به ما هیچ یک موقعي نه میداد  
که ما هم با اظهار رأی خود مبادرت می کردیم بلکه یه بخیر  
با آنها موافقت نمودیم .

اعلیحضرت : - نی ! ملامتی این مسئله بر خود شما است  
و قریک رای شما بر قبولیت کدام مسئله نبی بود چرا بنا بر حل  
واجبار دیگری از فکر و خیال خویش گذشت می کردید حالا  
در جرگه بیار بشما گفتم که آراء همه شما آزاد است و هر که  
شما علیحده علیحده اگر یک فکر ویانظریه در مجلس مطا  
خواهیش تان نباشد ، حق اعطای رای را دارید ، مثلاً  
هیمن مسئله تعزیر بالمال با اینکه در زمان صحابه هم تعیین شد  
و تمام سلاطین معظم اسلامی حتی پدر و پدر کلان من هم  
را جریان داده ، واحدی نه ازین علماء و نه از فضلای ز  
سابق برین امر اعتراض و تنقیدی کرده اند ولی این  
صاحب خواه مخواه گفتند که جزای نقدی موقوف شود -  
به ینید که از موقوف آن جقدر اشکال در کار واقع می د  
متلاً یک شخص معزز و تقدرا که گادی او چراغ نداده با

بدیدار لقای هایونی اعلیحضرت پدر محبوب خود دیده را فراموش نموده ایم غیر ازینکه بهر قدم مبارکت سر و جان خود را نذر و قربان کنیم یادیه قابل تقدیم نداریم . جز آنکه از در گاه رب العزت در رمه وقت دعا و مسئله نایم که الله سابة ترقی و ایه اعلیحضرت پدر شفقت گستارما از مر جمیع افغانستان کم و کوتاه نگردانی ! و مارا توفیق تحصیل وضای معالی اقتصادی شاهانه شان را منحت فرمائی ( محل امضای وکلاه و روئسا و عموم کلان شوندگان قدهار )

## عریضه اعزز و خوانین قندهار

فدای خاکبای مبارکت شوم ! ما فدویان عاجز را که ذات اقدس ولی نعمت معظم از فرط نوازن والطف ملو کانه خویش نواخته فرداً فرداً پنام هر کدام ما فدانیان فرعان مهربان امامی بامضای بدهیانه هایونی شرف اصدار داده اند ، به هیچ قلم و پیچ زبان از اداء و تقدیر این لطف و احسان ذات اعلیحضرت مولای ولينعمت خود برآمدند توانیم !

ما بیچارگان هیچ میز ، لائق انقدر صراحت و مکاری که ذات اعلیحضرت غازی در حضور در غیاب در حق ما عاجزان الطاف فرموده اند ، در هیچ وقت نبوده و نه هستیم !

للهم که ذات اقدس هایونی را در تنظیم همه امور مملکت

و در پشرفت خیالات ترقی آیات شاهانه شان موقفيت و کامیابی

کی حاصل است !

امروز همه افغانستان به ترتیب این اصول اصلاح و تنظیم که یمن مساعی ماندگی نایذیر هایونی آغاز گردیده قابل مبارکاد است . خداوند حق جل و علی سایه مبارک این چشم پلاش تاجدار و پدر محبت کردار را بر همه اسلام و ماجا کران با رگاه هایونی پایدار و مستدام دارد و ما عاجزان را توفیق خدمتگذاری و جاقشانی عطا فرماید .

محل امضای آن ذوات محترم که در موقع اقامت موکب هایونی بقدهار هر روزه شر فیل حضور را حاصل میکردند

## حوالت خارجی

### المان

بولیس مشغول تعیش بوده يك سازش بزرگی را کشف نموده و ازان معلوم نیشود که يك عدد مردم برای اینکه در المان يك بروگرام مکمل انقلاب ساخته شود مشغول بوده اند - انقلابیون میخواستند از همه پیشتر بر مرکز حکومت جمله کند و آنوقت وان هزار بگ مخونی نام حاضر می شد استفاده بدد و در شیوه صورت حکومت تبریز می بافت و همان عدد سی ایون که

فراموش کرده نیتوانم لهذا میخواهم که پس از تقدیش سمع مشرق و اصلاحات امور این ولا بقدر یکم فته برای پژوهش حال شما فرزندانم در قدهار بیام و ضمناً بعض امور ایش را که برای آسایش و ترقیات شما بخاطر می پرورانم اجرای حاکم اینک بیام دوستانه و سلام منونه هر را بتوید و رودم دران ولا طیاره بقها اولاد های رشیدم میرساند .

دازما ویناده - محل امضای اعلیحضرت

فرمان متحده ممال  
جلال آباد  
۱۳۰۵ تور ۲۵

از طرف اعلیحضرت غازی

به عنوان اعزز و خوانین قندهار

ص -

تائیرات محبت و شفقتی که از مجلسهای خصوصی قدهار نسبت بشما حاصل است . با وجود گرفواری کارهای تقدیش سمع مشرق مرایه آن وادار نمود که پرشن احوال شما را بدینه این فرمان نموده از عافیت خود و تنظیم امورات برادران این سمع شما ، بشما اطلاع دهم .

للهم صحت من بکمال است ، خاطر اخلاص مظاهر خود را بکلی جداد شته باشد که هیچگاه شما را فراموش ننموده ام در خانه الطافات مرایه شما همچو شامل احوال خود بدانید محل امضای اعلیحضرت .

## عریضه و کلاء و اعزز و ریاست بلکه

(قندهار)

سر و جان همه اهلی قدهار فدای خاکبای مبارکت !

روز ۲۵ تور طیاره چون های هایون ، بال کشاده پرتو افگن قدهار گردید . ورقه های طلائی و منور را که حاوی کلام مختار ذات اقدس اعلیحضرت شهنشاهی بود چون پر پهای زر انود از بالهای خود بر مفارق ما افشارند !

يا آن ورقه های مجلأ و مطلأ پارچه های نور بود که از عالم بالا بر یک وادی این و یک سرزمین صالح بعنجه بر کات آسمانی برید

بلی پیام محبت پادشاه ظل الله ، وسلام اوپر ملتش آیی است از سعادت و لحنیاری آن ملت و مملکت : پیام شفقت و الطاف هایون

را از هوا دیده ، پر دیده گرفتیم . بوسه های کرده خواندیم !

از نوید تشریف آوری محمد اعلیحضرت و لینعمت . و از تائیر هر کله آن که نهایت شفقت و مرحبت حضور اقدس هایون را اشعار می نمود . هر کدام ما را غرق بجهت و مسار گردانید ،

بر خود بالیدم ، چون طیاره سر آسمان کشیدم .

ما اهلی قندهار و ما رعایای وفادار که از چندیست که هر روز را با نظر و رود مسعود موکب شاهانه میگردانیم و

عرضه مورخه ۱۶ نور ریاست شورا

اعلیحضرت پدر تاجدار رعیت پرور خود را فدا شونم ! روز چهار شنبه (۱۵) برج حال طیاره فرخده فال سعادت بال بفروغ فرامین مبارک که مبنی بصحت مندی وسلامت وجود مسعود شاهانه و مصروفی تأمین حیات و تنظیم احوالات رعای صادقة سمع مشرق بود . چشم انتظار ما خدمتگاران دین و دولت ، و دیده ما جان شاران دلت شاهانه را روشن ، و دلهای مارا شاد گردانید ! الحمد لله ثم الحمد لله !

اعلیحضرت محی و غمخوار ملت افغانستان ! جانهای ناجی ما شارت باد . بکلام زبان اظهار شکرات قلبی و احسان روحی خود را عرضه حضور نایم که درین موسم گرما ذلن شاهانه بادشاه غمخوار ملت پیچاره چه زحمت ها را بوجود مبارک خود گرفته احوال پرسی و غمخواری ملت صادقه خود را مینماید ، حال انکه بر عکس در دیگر حصه های کره خاک فرمان روایان شان بنام تفريح و حفظ صحت بسواحل بحر و کوه های بلند مرد درین ایام شباروز خود را بعیش و استراحت یسری مینزد ماتعلم وکلای منتخب بنام رعایای صادقه شاهانه شان اظهار امتنان نموده جانهای خود را برای حصول رضایت فدا میسازیم .

اعلیحضرت غمخوار مهربان ما زهی سعادت ملت صادق سمعت مشرق که پر تو اجلال و ضیای آفتاب جهانست امروز ان خاک رامنور و تابان ساخته امید بدر کاه حضرت یاری تعالی داریم که بزودی وسلامتی وعافت وجود مسعود اعلیحضرت غازی چشم های مختار باقی رعایی جان شاهانه شان به تخلی و انوار این خورشید جانتاب نیز منور و روشن گردد .

اگر چه زحمت سفر را به وجود مسعود اعلیحضرت شهریاری روا دار نیستیم مگر چون ان بادشاه محبوب خود را عاشق رعایی صادق و خاک پلاک افغانستان میدانیم البته در رام عشق برای عاشق صادق زحمت های بسیار در پیش است . از خداوند کریم و رحیم استدعا داریم که این عاشق صادق بمحصول مقاصد اعلای خود کامیاب شوند ، امین یارب العالمین بمحرمت سید المرسلین .

امضاء : ویس عمومی شورای دولت شیراحد

اعضای طیعیه شورا اعضای منتخب شورا

## شفقت نامه اعلیحضرت

به عنوان اهلی قندهار توسط طیاره

۲۵ تور ۱۳۰۰

ملت محبویم اهلی قندهار !

محبت مخصوصیک در نتیجه ملاقات هنگام ورود اویله ام به قدهار بشما اولاد های عزیزم بیدا کرده ام مرایه آن و داری می سازد که در هر سال شمارا پتکار به ینم و هیچگاه از شما

## شفقت نامه اعلیحضرت

### بعنوان اهلی کابل

توسط طیاره

فرزندان عزیز و رعایای صادق هلهی کابل ! اگر درینجند روز احوال خیریت خود را بعما ملت عزیز خود نفرستاده واز

چگونگی شما فرزندان خود جویا نشده ام این نبود که شما

فراموش کرده باشیم ، بلکه کثرت کرفتاری بامورات برادران مشرق

شما بود که دقیقه مرا تنظیم امورات برادران مشرق شما موقع

بداده ، اینکه که بحمد الله تربیت امورات مهمه این ناحیه را حسب

دلوهاد داده دقیقه اولی که فرستایتم بفکر اطلاع دادن احوال

خبریت خود بشما و استفسار عافیت شما افتدنه توسط فرمان هذا

از محبت خود و تنظیم و آسایش این سمع بشما اطلاع داده از احوال خیریت شما جویا شده همه شما و تمام رعیت با و فای

صادق خود را باتام امورات دولت خود بخدمت ای کردکار میسازم

چهار شنبه ۱۰ تور ۱۳۰۰ ( محل امضای اعلیحضرت غازی )

عرضه مورخه ۱۰ برج نور ریاست بلدیه کابل

بحضور اعلیحضرت پدر تاجدار و محبوب القلوب خود ما

اهله شهر کابل توسط ریاست بلدیه خویش عرض میداریم :

فرمان هایونی که مبشر از محبت ذات اقدس ملو کانه و

مصروفیت شان به غمخواری امورات برادران سمع مشرق ما

بود ، بذریمه طیاره دولت متوجه ما پرتو نزول افگان موجب

افتخار و مسرت قلوب این رعایای صادق و داعیان صحبی

شاهانه گردید - خدا را بوجود مسعود جنین بادشاه و پدر

تاجدار مهربان خود ها شکر گذاریم که زمام مهام ما ملت

افغان را یکف کهایت چینی یک قائد اعظم واوا لو الامر معظم

داده که همه اوقات شریف شان مصروف به غمخواری و ارتقاء

و تعالی ما است و یویما قیوما ایواب سعادت و ترق را از حسن

تدبر و عزم بجا دانه اش بروی خود ها دیده و می پیشیم .

اعلیحضرت تا بادشاه عزیزا پسر مهربانان ! شکرانه زحان را که

برای ترقیات مادی و معنوی مامت افغان بر خود گوارا داشته

پکدام زبان ادا خواهیم نود ، رعایای پای نخست عالیخت کابل

با خاصه خود را بمحیثیت یک خدمتگار فدا کار بحضور مقدس

پدر تاجدار خود معرفی کرده هم و وقت بفادی جان و مال

مقابل امر و خدمت مفترخانه حاضریم .

در جانه خود را بمحیثیت یک شوکنست ات اعلیحضرت را با کامیابی ها

یقاصد عالیه شاهانه شان از خالق سیناز نیاز داریم

( امضاء رئیس بلدیه کابل محمد یونس )

یابد. اقداماتیکه کرده شده موافق به قانون ۱۹۱۱ است. مبنی اظهار نمود که بایسی در صدم سفید پولست و سیاه چهره خواهد بود.

سنوس انکار کرد که در قانون ۱۹۱۱ راجع بر نکوصوره جزئی ذکر نشده بلکه از حکومت خواهش نمود که اختیار

بدین تاحقوق وامتیازات ملی را بر طرف سازد و نیز گفت که

ما میخواهیم عقیده تمام عالم بر عکس این باشد زیرا ما

یک عدد بسیار کی از سفید پوستان هستیم که نمیتوانیم مقابله

۱۲۰ میلیون سیاه چهره کان چینی شمرده هم بشویم، و اگر

خواهش داشته باشیم میدان را پیش ببریم باستی تمام سفید

پوستان ریکجا شده بر همین عقیده اتفاق کنیم، حکومت اصرور

هنری هارا دشمن ساخته اما ایشان به کمیک حکومت قوی

اتحاد کردن و داخل صراوده شدند»

بیرونی اظهار کرد که لامحه سفری به بایسی بدلیل نشواد هر تزیین

نیست به نطق سنت اظهار کرد که بسیار منفور و دروغ است

و گفت که مسوالت را از جانبیکه حکومت قبل نامکمل

گذاشته است شروع می کنم.

(پایونیر)

بطوریکه از کیب تون اطلاع میرسد که مجلس سنا به کنفر

آر (۸۳ مقابله ۶۷) لایحه رنک و صورت اقوام را که قبلاً

در اخبار (۱۱) می ذکر آن شده بود تصویب کرد ریویور

## اعتراض کار کران انگلستان

به ریویور اطلاع رسیده تعطیل اعتضاد بکلی بدون کدام

شرط بروی کار خواهد آمد — تعطیل آن تبا بر مداخله سر

هر بریت سموئل بعمل آمد زیرا تجاوزی که او پیشنهاد نموده

و درباره آن عقاید اظهار گردیده لایق این است که تصویب

شود و باعث ترقی و کامیابی در تصفیه تقاویت صنعت دفال خواهد

شد. اگرچه بطوریکه باید برای سر بریت سموئل اختیارات

از طرف حکومت داده نشده اما آمده می کند که برای قبول

آن به حکومت سفارش کند.

کاینه نهیز یاد داشت سموئل را ندیده است. راجع به

اینکه جواب یاد داشت سموئل بعد اینکه به کاینه برسید چه خط

حرکت را پیش بگیرند اصرور فکر خواهد نمود.

در ضمن اظهارات خود بالدون در دارالعوام گفت که نس

در دو تک ستیت با او ملاقب شده بیان کرد که تجویز شده

که اعتضاد بروی کار باید به جواب او گفته شد که بی هرجه

زود تر بعمل آید بهتر خواهد بود زیرا که در آن وقت هم

مسکان بالدون داخل صراوده شده برای اینکه مسئله بزودی

تصفیه شود داخل صراودات خواهد شد.

در مطبوعه حروفی ریاست شرکت رفیق طبع گردید.

یکار می بودند خانه های شان ضبط می شد — اعتضادها یک‌گفلم  
منع قرار میگرفت و هر که جرئت اعتضاد را می نمود او بسایر  
موت میرسید. و بنز میخواستند تمام جایداد یهودیهای المان را بربط  
کشند و مسر کرد کان جمهوریت را از ملکت خارج کنند بعد  
ازین سازش حکومتهایکه در آنجا انتہا پسندان یکجا می شوند  
کلان امور ساخته شوند. از اوراقیکه بدست پیلیس آمده است  
علوم میشود که قیصر سابق المان نیز در همین سازش اشتراک دارد زیرا  
در یکی از مکانات خود از یکی از مجرمین اعظم ارمنیت کرده است  
از برلن اطلاع میرسد که کاینه استفاده کرده است. مناقشه  
که بر اقدامات جدید در باره بیرون می شده حکومت المان را  
محیور ساخت که به کنفر اراء (۱۷۶ مقابله ۱۴۶) تصویب کند  
که در «لوتر» اعتبار ندارند تقدیمات ازینرو بعمل آمد که وان  
هند تبر گک به صلاح حکومت خود فتوی داد که سفارت‌های  
کبی و سفارتها و قونساگریهای آلمان که در خارج و اروپا  
هستند برقهای شان علامت جمهوریت را داشته باشد بولیک  
گوشة آن علامه حکومت سابق اینز باشد (ریویور)

## ایران

پایونیر مینویسد این یک مسئله مهمی است که تکمیل معاهده  
دولتی و امنیتی درین ترکیه و ایران بعد تاج یونی شاه جدید  
بوقوع بیوسته.

سیلاپ بین المللی اروپای شرق فعله برای ترکیه محدود است  
زیرا داعمین خوف در دل او جای گرفته که بسب فشار  
روسیه غرق نشود. در ایران بالخاصة بعد ازین که شاه جدید  
بر سر کار آمده روسیه یک همسایه یافته که هیچ وقت حقوق اورا  
چالان نخواهد کرد و گذگی که ایران بتواند به ترکیه برساند  
خواه آن بصورت مادی و یا معنوی باشد در قائله او خواهد  
بود. در تلفراحت از مواد معاہده ذکری شده. اما دانسته  
میشود که مدت آن بسیار است. این اختلاط جمهوریت  
ترکیه جدید و شاهنشاهی ایران در تبعه این است که حق خود را  
در مجلس اقوام ثابت نموده که ایران اولین سلطنت اسلامی است  
که داخل مجلس اقوام شده برای تمام عالم اسلام وظیفه نایابه گی  
را اینجا می کند.

## (پولوی)

ز وارسا خبری به برلن رسیده میگوید که در کوجه ها  
حنگ زیادی واقع شده کاینه مستمنی گردید و رئیس جمهوری  
تصمیم گرفته که دعوی کند.

## لامحه امتیاز رنک در افریقا

از کیب تون اطلاع میرسد که بیرون از بر میان به مجلس  
سنا تجویز نمود کلامه «امتیاز رنک» یعنی اکنون تصویب